

نخستین نگارش ها در حوزه تمدن اسلامی

یک مرور کوتاه

۱۷-۳۸

چکیده: تاریخ تمدن، شاخه نسبتاً جدیدی در شاخه های درس تاریخ است. در فرهنگ تاریخی مسلمانان، نگاه تمدنی به تاریخ نبوده و غالباً همان نگاه های سیاسی و احیاناً اجتماعی غیرپویا به تاریخ گذشته وجود داشته است. درحالیکه گرایش علمی تاریخی با عنوان تاریخ تمدن مورد توجه بسیاری از مورخان دو سده اخیر اروپا قرار گرفته و با نگاه انحطاط یا ترقی به تاریخ ملت ها پرداخته شده است. به طوریکه غربی ها نگرش تاریخ تمدنی را نسبت به خودشان و سایر ملل باب کردند. نگاه تاریخ تمدنی در حوزه مطالعات اسلامی و خاورمیانه ای منجر به تأسیس گرایش تاریخ تمدن اسلامی شده است. غربی ها نخستین کتاب ها را با عناوین تاریخ تمدن اسلام و عرب نوشته اند. این نخستین باری است که می توان از شکل گیری دانش تاریخ تمدن اسلامی یاد کرد. بدین ترتیب کتاب های تاریخ تمدن اسلام و عرب به تدریج از زبان های فرنگی به عربی و بعدها به مرور به فارسی هم ترجمه شد. نویسندگان در نوشتار حاضر، محور بحث خود را بر واکاوی مطالعات تمدن نگاری اسلامی قرار داده و به معرفی نخستین نگارش ها در حوزه تمدن اسلامی همت گمارده است.

کلیدواژه ها: تمدن، تمدن اسلامی، تاریخ تمدن، تمدن نگاری، تمدن نگاری اسلامی، تمدن مسلمانان، تاریخ تمدن اسلامی، تمدن شناسی.

The First Writings in the Field of Islamic Civilization (a Short Review)

Abstract: The history of civilization is a relatively new branch of history. In the historical background of Muslims, there has been no view about history from the aspect of civilization. They often looked at history through the same political and possibly non-dynamic social views. While the historical scientific trend called the history of civilization has been considered by many historians of the last two centuries in Europe and has been viewed as a way of decline or progress in the history of nations. In a way, Westerners began the field of history of civilization towards themselves and other nations. The view of the history of civilization in the field of Islamic and Middle Eastern studies has led to the establishment of the trend of the history of Islamic civilization. Westerners have written the first books entitled History of Islamic and Arab Civilization. This is the first time work written about the knowledge of the history of Islamic civilization. Later, books on the history of Islamic and Arab civilization were gradually translated from French into Arabic and later into Persian. In the present article, the author focuses on the study of Islamic civilization studies and tries to introduce the first writings in the field of Islamic civilization.

Keyword: Civilization, Islamic civilization, history of civilization, Muslim civilization, history of Islamic civilization.

أوائل الكتابات في مسألة الحضارة الإسلامية (نظرة خاطفة)
رسول جعفریان

الخلاصة: تاريخ الحضارة هو فرعٌ جديد تقريباً من فروع الدروس التاريخية. وكانت النظرة الحضارية إلى التاريخ معدومة في الثقافة التاريخية للمسلمين، إذ كان الغالب فيها هو تلك النظرة السياسية إلى تاريخ العصور السابقة، وإن تحلَّ لها أحياناً نظرة اجتماعية جامدة.

هذا في حين أنَّ الاتجاه العلمي التاريخي - أو بعبارة أخرى التاريخ الحضاري - كان خلال القرنين الأخيرين مثاراً للاهتمام الكثير من المؤرخين في أوروبا، فكانوا ينظرون من منظار التطور أو التخلف إلى تاريخ الشعوب، حتى تمكَّن هؤلاء الغربيون من فرض النظرة التاريخية الحضارية إلى شعوبهم وغيرها من باقي الأمم باعتبارها أمراً مأنوساً ومتعارفاً.

وقد أدت هذه النظرة التاريخية الحضارية في مجال الدراسات الإسلامية والشرق أوسطية إلى تأسيس منهج تاريخ الحضارة الإسلامية، حتى كتب الغربيون أوائل الكتب المعنونة بعناوين تاريخ الحضارة الإسلامية والعربية. وهذه هي المرة الأولى التي يمكن الحديث فيها عن تأسيس علم تاريخ الحضارة الإسلامية.

وهكذا بدأت تتزايد بالتدرج عملية ترجمة كتب تاريخ الحضارة الإسلامية والعربية من اللغات الغربية إلى العربية، ومن ثمَّ إلى اللغة الفارسية.

والمقال الحالي اختار كاتبه أن يكون محور بحثه هو التنقيب في الدراسات الحضارية الإسلامية والتعريف بأوائل الكتابات في مجال الحضارة الإسلامية.

المفردات الأساسية: الحضارة، الحضارة الإسلامية، تاريخ الحضارة، التدوين الحضاري، التدوين الحضاري الإسلامي، حضارة المسلمين، تاريخ الحضارة الإسلامية، علم الحضارة.

مقدمه

برای تعریف تمدن هیچ وقت دیر نیست. می‌شود گفت روزگاری که تلاش می‌شد همه چیز ابتدا تعریف شود گذشته است. اکنون باید یک موضوع یا مسئله را در زمان دید و آن را تعریف کرد. از نظر بسیاری، مفاهیم نوعی حیات دارند، زمانمند هستند و تغییر شکل و محتوا می‌دهند. مفهوم تمدن هم از این قاعده مستثنا نیست. دانشمندان ده‌ها تعریف برای تمدن ارائه و تفاوتش را با فرهنگ بیان کرده‌اند. آنها گفته‌اند که یک فرهنگ وجود دارد و یک تمدن. مفهوم تمدن در معنای جاری خود مفهومی مدرن است. در دنیای ما که «تکنولوژی» مهم شده، در تعاریفی که برای تمدن می‌شود، روی «ترقی و پیشرفت» سازمانمند در زندگی مادی تأکید می‌شود. روشن است که در همه سطوح و برای همگان، فرهنگ به عنوان پایه تمدن و معنویت و اخلاق ارکان اصلی تمدن به شمار می‌آید. با این حال می‌شود گفت اساس تمدن در این تعاریف و در معنای امروزی آن، ترقی مادی است؛ چیزی که تعریف تمدن و تحقق آن در گرو آن است. در روزگار ما گاهی مفهوم توسعه از خود تمدن هم مهم‌تر است. این در حالی است که در بخش اخلاق و معنویت به گونه‌ای است که اگر اینها باشد، اما ترقی مادی، یعنی تکنولوژی و فن و صنعت نباشد، کسی نمی‌گوید آنجا تمدن هست. درست مثل این است که باید ساختمان زیبایی باشد که در آن فرهنگ و اخلاق و معنویت هم هست، اما اگر اصل این ساختمان نباشد، به نظر می‌رسد بر اساس تعاریفی که از تمدن می‌شود، حتی با وجود اخلاق و معنویت، تمدنی در کار نخواهد بود. این مفهوم از تمدن به یک معنا کهن است و به معنای دیگری، در غرب بارور و حالا جهانی شده است. حالا همه دولت‌ها و ملت‌ها دنبال «توسعه» هستند؛ مفهومی که تا چند دهه قبل برای بسیاری از ملت‌ها نامفهوم بود. اکنون با این معنا از تمدن جز به ندرت دشمنی نمی‌شود؛ اگرچه در فهم آن بحث‌های زیادی می‌کنند. برخی آن را غربی می‌دانند و می‌خواهند بومی‌اش کنند تا راحت‌تر با آن کنار بیایند. خیلی‌ها هم در حسرت تمدن قدیم هستند که انسان را لاهوتی‌تری می‌دید و از اینکه این قدر انسان ناسوتی شده است در خشم هستند. از این بحث‌ها فراوان می‌شود. در اینجا بحث ما اساساً تاریخی و در درجه اول مربوط به مطالعات «تمدن‌نگاری اسلامی» است.

ما مسلمانان در قدیم از تمدن حرفی نمی‌زدیم و حالا هم وقتی از تمدن صحبت می‌کنیم، مطابق همین تعریف و رویکردی که در غرب هست و عجالتاً عالم‌گیر شده تمدن را پیشرفت می‌دانیم. این پیشرفت همانی است که دنیای جدید را از قدیم جدا کرده است. تفاوتش با قدیم این است که آن وقت هم «زندگی اجتماعی» درک می‌شد، اما یک درک پویا و متحرک و متکامل از آن نبود. شاید به این دلیل که دنیا و مفاهیم آن ایستا دیده می‌شد. پیدایش نیروی بخار و سپس برآمدن نیروی الکتریسته و آنگاه قدرت اتم با تمامی پیامدهای دیگر دانش‌های نو و تکنولوژی، تصویری شگرف از جهان مادی و پویایی آن به دست داد. ساختن کشتی‌های بزرگ، هواپیماها، سفینه‌های فضایی، گسترش شهرها، راه‌ها، پل‌ها و بسیاری از پدیده‌هایی که همه مردم از آنها در «سرعت»، «دقت» و «راحتی» استفاده

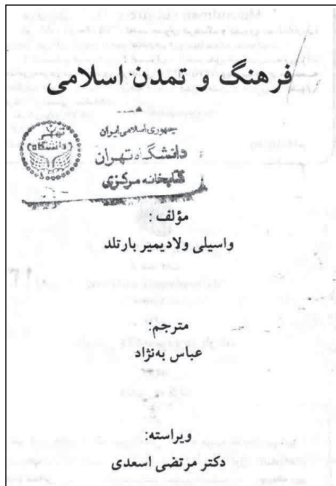
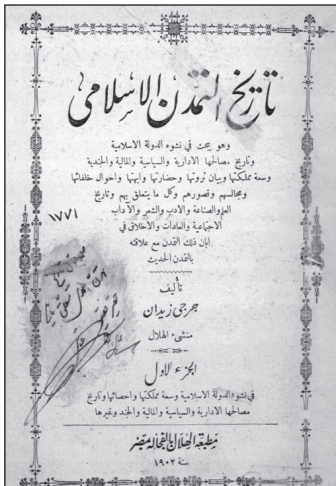
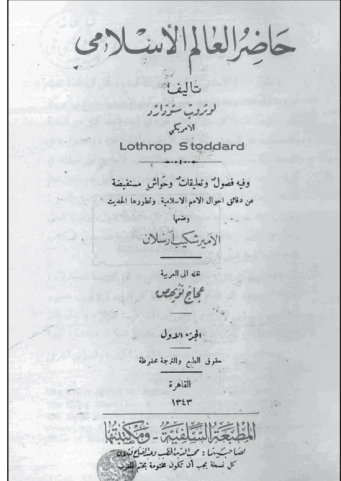
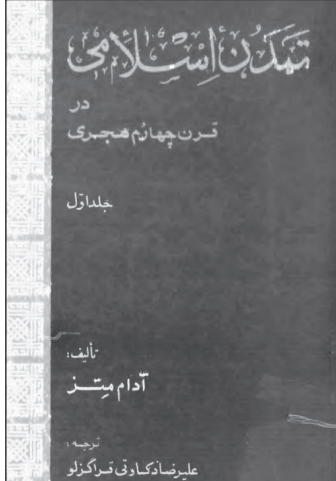
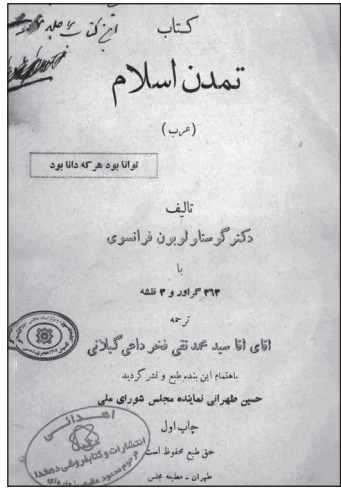
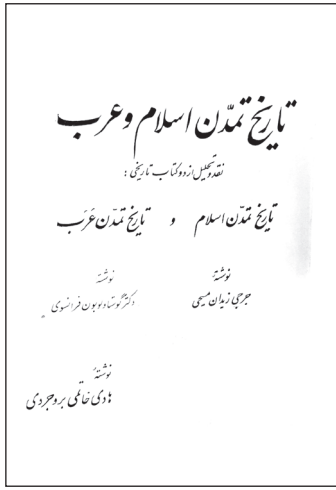
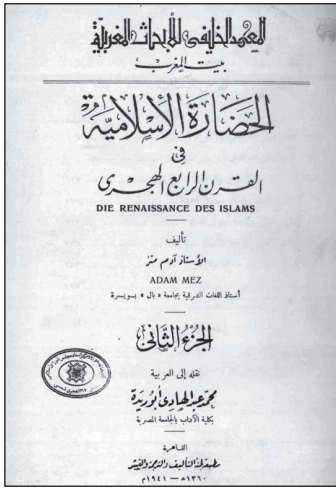
می‌کنند همه را بهت زده کرد. حالا وقتی مسلمانان درباره تمدن صحبت می‌کنند، از این دایره خارج نمی‌شوند، ولی تلاش می‌کنند درکی از تمدن داشته باشند که با دینشان سازگار باشد.

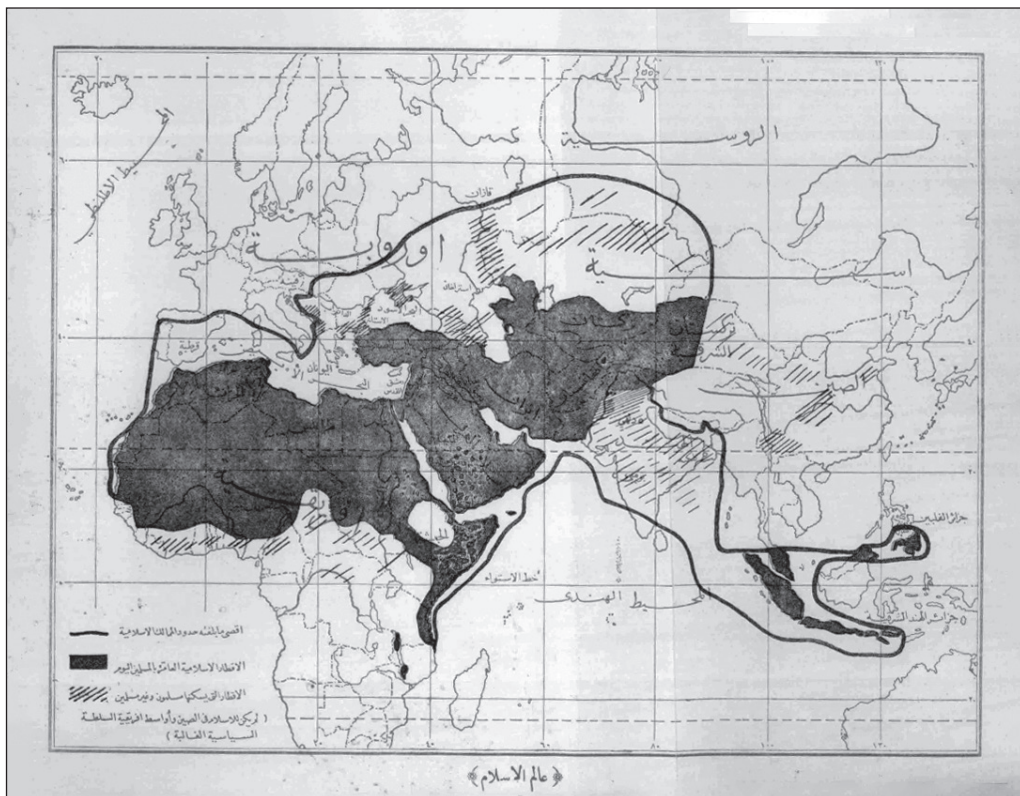
اولین باری که بحث تمدن به میان آمد و مخصوصاً وقتی که مصادیق آن وارد کشورهای اسلامی شد، بسیاری از مسلمانان در نزدیک شدن به آن و پذیرش آن مشکل داشتند. اینجا تمدن، یک مفهوم جدید، نوگرایی، مدرنیته و چیزی مشابه آن است. افزون از واقعیت آن، بحث اینکه از کجا می‌آید هم مهم بود. مشکل اول هویت آن بود که از نظر بسیاری در آن اوایل و تا کنون به کفر نزدیک بود. دیگر مشکل ترس از تسلط کفار بود. آنها می‌دیدند که این تمدن و مظاهر و افزار آن را خود آنها و مستشاران آنها می‌توانستند اداره کنند. یک مشکل دیگر از نظر طرز تلقی نسبت به زندگی مادی به عنوان پدیده‌ای لذت جویانه بود؛ تمدن یعنی لذت جویی دنیوی. به عبارت دیگر تصوراتی در میان مسلمانان وجود داشت که این نوع توسعه رفاه گرایی است و خیلی هم خوب نیست که به آن روی خوش نشان دهیم. نگرانی‌های دیگری هم بود. از جمله اینکه در این ورود تمدن مسلمانان تحقیر می‌شدند. آنها باید چیزی را می‌پذیرفتند که از خودشان نبود. شاید دلایل دیگری هم برای دور ماندن از تمدن بود. این البته شروع نضج‌گیری فکر تمدنی در میان مسلمانان را به تأخیر انداخت و البته امری طبیعی هم بود. یک نگرانی عمده این بود که این تمدن جدید که همراهش دین و اخلاق خاص خودش را دارد، با اسلام چگونه کنار خواهد آمد. در این باره تفسیرهای بسیار مختلفی می‌شد و آنها که رویکرد موافق با تمدن و همزمان اسلام داشتند، در ایجاد نگاه‌های ترکیبی که همزمان انتقاد از غرب و نشان دادن راه‌های ترکیب اسلام و تمدن بود تلاش می‌کردند.

تمدن نگاری، دانشی تازه از شاخه‌های تاریخ

تاریخ تمدن یک شاخه نسبتاً جدید در شاخه‌های درس تاریخ است. به این معنا که پیشینه طولانی ندارد. در واقع در کنار تاریخ سیاسی یا شاخه‌هایی که در وضع رجال - تاریخ و مانند اینها بوده، تمدن به عنوان موضوع یک بررسی مستقل تاریخی نبوده است و شاید بشود گفت نخستین بار آن هم، نه از دید تاریخی، بلکه از دید جامعه‌شناسی ابن خلدون آن را مطرح کرده است. در فرهنگ تاریخی ما مسلمانان نگاه تمدنی به تاریخ نبوده و غالباً همان نگاه‌های سیاسی و احیاناً اجتماعی غیرپویا به تاریخ گذشته وجود داشته است. نگاه تمدنی نگاهی است که تاریخ را در چارچوب پیشرفت بررسی کند و از همه عواملی که در این زمینه وجود داشته سخن می‌گوید.

آنچه سبب می‌شود تا ما بگوییم نگاه تمدنی نداشته‌ایم، این است که اصطلاحات لازم برای این کار در میان ما نبوده است. حتی کلمه تمدن که در لغت به معنای شهرنشینی است و در دوره جدید به معنای تکامل و پیشرفت و ترقی به کار می‌رود، در گذشته ادبی ما تنها در معنای لغوی به کار رفته و معنای اصطلاحی آن مورد توجه نبوده است.





کلمه «الحضاره» به معنای شهرنشینی همراه ترقی و رشد در فرهنگ اصطلاحات اجتماعی ابن خلدون به کرات به کار رفته است، اما جالب این است که پس از ابن خلدون تا دوره اخیر، این اصطلاح، یعنی الحضاره دیگر به معنای تمدن و ترقی و تکامل به کار نرفته است. ابن خلدون از کلمه «ال عمران» هم استفاده می‌کند که باز این کاربرد در ادبیات مسلمانان رایج نشده است. همه اینها نشان می‌دهد که نگاه ابن خلدون، نه ریشه در میان ما داشته و نه بعد از وی مورد قبول و کاربرد قرار گرفته است.

به نظر می‌رسد گرایش تاریخ تمدنی در حوزه علوم تاریخی امری متأخر و تازه است و در گذشته دور با این نگاه به تاریخ نگریسته نشده است. ما کتاب‌های تاریخ سیاسی و احیاناً ادبی و اجتماعی داشته‌ایم، اما تاریخ تمدن به صورت رسمی نداشته‌ایم.

شاید یک دلیلش این است که در تمدن‌های قدیم، نگاه تکاملی مانند آنچه امروز در تمدن بشری وجود دارد یا وجود نداشته یا بسیار نادر بوده است، بلکه بیشتر نگاه‌های ادواری و هزاره‌گرایی‌ها بوده و در ادیان توحیدی هم تکامل بیشتر معنوی و جاودانی بوده و این جهان مادی ارزش و اعتبار مستقلی نداشته است.

در عصر جدید، دست‌کم از نگاه برخی، بحث از تمدن از نظر محتوا به عنوان یک فلسفه برای زندگی بشری مبتنی بر نظریات تازه‌ای در حوزه مادیگری و لذت‌گرایی و این جهانی درست شده و از نظر تاریخی هم تبدیل به یک گرایش علمی شده است. این مسئله دست‌کم از لحاظ تئوریک، خط فاصلی میان زندگی بشر قدیم و جدید ایجاد کرده و سبب شده است تا کسانی ماهیت بشر جدید را به عنوان بشر سلطه‌گر، لذت‌جو و توسعه‌طلب در مقابل بشر قدیم بدانند.

انتقال دانش تمدن‌نگاری به کشورهای شرقی (شرق‌شناسی یا شناخت فرهنگ و تمدن مسلمانی)

گرایش علمی - تاریخی با عنوان تاریخ تمدن مورد توجه بسیاری از مورخان دو سده اخیر اروپا قرار گرفته و با نگاه انحطاط یا ترقی به تاریخ ملت‌ها پرداخته شده است. بسیاری از مورخان اروپایی مورخ تاریخ تمدن بوده‌اند. این در حالی است که در قدیم چنین پدیده‌ای وجود نداشته است. هر چند ممکن است علائقی شبیه به آن در آثار برخی از مورخان دیده شود.

این نگاه، یعنی نگاه تاریخ تمدنی در حوزه مطالعات اسلامی و خاورمیانه‌ای منجر به تأسیس گرایش تاریخ تمدن اسلامی شده است. اکنون در ایران رشته تاریخ فرهنگ و تمدن وجود دارد و سعی می‌شود به گذشته با نگاه تمدنی نگریسته شود و تحقیقاتی انجام شود.

غربی‌ها نگرش تاریخ تمدنی را نسبت به خودشان و سایر ملل باب کردند. درباره ملل دیگر، اوایل

سفرنامه می نوشتند و سعی می کردند دیگران را شناسایی کنند، اما به تدریج در این کار پیشرفت و به صورت علمی و گسترده شروع به بحث درباره تاریخ تمدن درباره تمامی سرزمین های دیگر کردند.

بخشی از حوزه کار غربی ها شرق شناسی و به طور خاص شناخت دنیای اسلام بوده و از قرن نوزدهم و حتی پیش از آن به طور مرتب به شناخت تاریخ زبان و ادبیات عرب و همین طور فرهنگ و تمدن اسلامی پرداخته اند. آنها نخستین کتاب ها را با عناوین تاریخ تمدن اسلام و عرب نوشته اند. این نخستین باری است که می توان از شکل گیری دانش تاریخ تمدن اسلامی یاد کرد.

تمدن نگاری فارغ از کلیاتی که ریشه در فرهنگ اسلامی داشت، به دلایلی که گذشت، تا این زمان به عنوان یک علم مستقل انعقاد نیافته و از غرب به جهان عرب آمد. نخستین نوشته ها در مغرب اسلامی و مصر به عربی ترجمه شد. این نوشته ها هم درباره اروپا و تطور تمدنی آن بود و هم به تدریج نیم نگاهی به مسلمانان داشت که به تدریج این نگاه دقیق تر و متمرکزتر شد. احساسات غربی ها در ضدیت با اسلام از آغازین سال های قرن اول هجری با حمله مسلمانان به مسیحیان شام و توسعه نفوذشان تا قسطنطنیه آغاز شده بود و طبعاً این احساس در نگاه و مطالعات آنها بود، اما می دانیم که از قرن شانزدهم و هفدهم به تدریج روحیه علمی هم به میدان آمد. سفرنامه های زیادی نوشته شد و به دنبال آن متون عربی زیادی به اروپا برده شد. اینها زمینه شرق شناسی را که بخشی از آنها بحث از تمدن شرقی و تاریخ علم در آنجا بود پدید آورد. آثار نوشته شده از طریق ترجمه آثار فرنگی در دنیای عرب و شبه قاره و بعد هم ایران رواج یافت. یکی هم همین مطالعات تمدن شناسی بود. این را باید در تاریخ شرق شناسی دنبال کرد.

برخی از این نوشته ها جنبه عمومی داشت و بیشتر به دل شرقی ها می نشست؛ مخصوصاً از وقتی که در قرن نوزدهم کسانی در غرب یافت شدند که شروع به تعریف و تمجید از تمدن اسلامی کردند. این هم انگیزه های علمی داشت و هم برای مقابله با کلیسا بود. در واقع بخشی از اهداف نویسندگان غربی در قرن نوزدهم از این آثار مصرف داخلی داشت و هدف ایجاد زمینه برای تغییر در غرب بود. به هر حال این آثار در سطح عموم هم انتشار یافت. مسلمانان نیز از این آثار آگاه می شدند.

از گوستاو لوبون تا آدم متر

بدین ترتیب کتاب های تاریخ تمدن اسلام و عرب به تدریج از زبان های فرنگی به عربی و بعدها به مرور به فارسی هم ترجمه شد. از نمونه های رایج آن، اثر گوستاو لوبون با عنوان تاریخ تمدن اسلام و عرب بود که تأثیر زیادی گذاشت. این کتاب به وسیله یک دانشمند و طبیب فرانسوی به نام گوستاو لوبون (متولد ۱۸۴۱) در سال ۱۸۸۴م نوشته شد. به نوشته مترجم او در این کتاب به بسیاری از اعتراضات وارد شده از سوی اروپاییان به اسلام و تمدن اسلامی پاسخ داده است. همین طور درباره رسوم و

نظامات اسلامی می‌گوید که بر اساس امکانات و مقتضیات محیط، آنچه بوده، بهترین نظامات بوده است. مترجم این اثر سید محمد تقی فخر داعی گیلانی است که وقتی در هند معلم ادبیات بوده، آن را ترجمه کرده است. این ترجمه در سال ۱۳۱۳ در چاپخانه مجلس با حمایت یک نماینده و نیز علی اصغر حکمت منتشر شد. بعدها در سال ۱۳۲۰ هم با آمدن تعبیر «از نشریات کمیسیون معارف» روی جلد معلوم می‌شود که انتشارش با حمایت دولتی بوده است. جالب است که کتاب از ترجمه اردوی آن به فارسی درآمده است. این نکته‌ای است که مترجم در مقدمه یادآور شده است.

در ایران نقدی بر دو کتاب گوستا و لوبون و جرجی زیدان در سال ۱۳۵۲ ش منتشر شد.

در اوایل قرن بیستم هم کتاب الحضارة الاسلامیه فی القرن الرابع الهجری به وسیله Adem mez نوشته شد و در سال ۱۹۴۱ در قاهره به عربی ترجمه شد و در سال ۱۳۶۴ شمسی به وسیله علیرضا ذکاتوی از عربی به فارسی درآمد و در دو مجلد در نشر امیرکبیر منتشر شد. ترجمه مختصری از آن هم در یک مجلد در سال ۱۳۴۳ به وسیله محمد حسین استخر منتشر شد. این اثر از نظر سطح علمی بالاتراز کتاب گوستا و لوبون و متکی به انبوهی از منابع اسلامی در شناخت تمدن اسلامی است. بخش‌هایی از آن درباره نظامات حکومتی، الهیات و فرق و بخشی هم درباره علوم مادی و تمدنی از قبیل جغرافیا، محصولات، صناعات، تجارت، راه‌های دریایی و خشکی و مانند اینهاست.

آثار دیگری هم، نه لزوماً با عنوان تمدن و حضاره، اما به نوعی مرتبط با مباحث تمدن اسلامی در غرب نوشته شد که اندکی از آنها به عربی درآمد. کتاب حاضر العالم الاسلامی اثر لوتروپ ستودارد به وسیله نویسنده معروف عرب امیرشکیب ارسلان تکمیل و مجموعاً به ویله عجاج نویهس در دو جلد (۴۰۹ ص + ۴۰۲) در سال ۱۳۴۳ ق (۱۳۰۳ ش) به عربی منتشر شد. عنوان «جهان اسلام» بیشتر توسط غربی‌ها برای تفکیک بین کشورهای مسلمان با غیرمسلمان و خودشان مطرح شد. رنگ سبز هم برای این امر انتخاب شد. این نقشه‌ای است که در همین کتاب منتشر شده است. این کتاب بیشتر جغرافیای کنونی عالم اسلامی، اما با ملاحظه وضعیت تمدنی آنها است. فصل اول این کتاب با عنوان «الیقظة الاسلامیه» یا بیداری اسلامی است. (مجلد اول، ص ۳۳-۵۹)

بارتولد و فرهنگ و تمدن اسلامی

مستشرق معروف روس، واسیلی ولادیمیروویچ بارتولد (۱۸۶۹ - ۱۹۳۰) شرق‌شناس بسیار معروف روس است که در زمره کارهای بزرگی که انجام داده، کتابی هم درباره فرهنگ و تمدن اسلامی نوشته که در سال ۱۹۱۸ منتشر شده است. این کتاب مختصر و مفید، در سال ۱۹۲۲ توسط جمال ولیدی به زبان تاتاری، به سال ۱۹۲۷ به زبان ازبکی، و پس از آن ترجمه اردو و انگلیسی آن منتشر شده است. فؤاد کوپرلی نیز این اثر را به ترکی در سال ۱۹۴۰ منتشر کرده است. بدین ترتیب با اثری مواجهیم که

صفحه ۵ جمعه ۹ فروردین ماه ۱۳۲۵ برابر ۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵ سال سوم

تألیف پروفسر دکتر و بار اول
مستشرق معروف روس، استاد دانشگاه، آکادیمیاد
ترجمه آقای ع ۳۰ نتیجه ای
(تاریخ تمدن اسلامی)
بسم الله الرحمن الرحيم
مقدمه مؤلف محترم

کتاب تاریخ تمدن اسلامی تألیف پروفسر بار اول مستشرق روسی که شرح حال مختصر او را بعداً ذکر خواهیم کرد در تاریخ ۱۹۱۸ میلادی (۱) در پترزبورگ بر زبان روسی چاپ رسیده و نظر بامیت آن از منظر نظر تاریخ تمدن اسلامی منصف عالم اسلام ترجمه گردیده است. قرآن جمله در سال ۱۹۲۲ میلادی جمال ولیدی نام آرا بر زبان تاتار ترجمه کرده و باز در سال ۱۹۲۴ میلادی غازی یونس بر زبان اوزبک ترجمه کرده است و پس از آن زبان اردو و زبان انگلیسی نیز ترجمه شده است. در این اثر مؤلف از آنکه آنگاه که در پترزبورگ در سال ۱۹۲۸ میلادی چاپ شده است. در این کتاب نیز ترجمه شده است. در این کتاب نیز ترجمه شده است. در این کتاب نیز ترجمه شده است.

مهمترین آثار او

- ۱- راجع به هیوان آسیای وسطی « از نشریات مجله پستان شناسی روسی قلمه شرق شماره ۶) این اثر بعداً بر زبان آلمانی ترجمه و بعنوان Geschichte der Zar چاپ رسیده - Phisten in Mittelasien و بر زبان ترکی نیز ترجمه و در مجله ترکات جله اول چاپ شده است.
- ۲- راپورهای مسافرت های علمی خود آسیای مرکزی در سالهای ۱۸۹۳، ۱۸۹۴ که در پترزبورگ بطبع رسیده در سال ۱۸۹۵ (نشریات آکادمی علوم) بر زبان روسی.
- ۳- « ترکستان ۴ استیقای منول » که در دو جلد یکی در سال ۱۸۹۸ و دیگری در سال ۱۹۰۰ بر زبان روسی در پترزبورگ چاپ شده است. این کتاب در سال ۱۹۲۸ ب انگلیسی ترجمه و در مجله نشریات اوقاف مسکریب آکسمی در انگلستان چاپ شده است.
- ۵- « معلومات راجعه به دریاچه آرال و مصب رود آمودریا » عاقلشکه در ۱۹۰۲ (بر زبان روسی) که در سال ۱۹۱۰ بر زبان آلمانی ترجمه و چاپ شده است.
- ۶- نظریه تاریخی و جنرالایسی ایران * بطرز پرورگ ۱۹۰۳ این کتاب در این اواخر طالعاً بطراسی ترجمه شده است.
- ۷- « کتاب فارسی آریخی دیوار مسجد مشهوره آنتی سیری شماره ۵ (روسی)
- ۸- « تاریخ علوم شرق در اروپا و روسیه ۶ بطرز پرورگ ۱۹۱۱ (روسی) این اثر در سال ۱۹۱۳ ب آلمانی ترجمه شده و با تغییرات مختصر در سال ۱۹۲۵ مجدداً از روسی آن چاپ رسیده است.
- ۹- « خلیفه و سلطان » خاتمه اسلام Nir Islama (بر زبان روسی) ۱۰- « اولوچ یانک و دوره او » (از نشریات آکادمی علوم روسی) بطرز پرورگ ۱۹۱۸ (بر زبان روسی)
- ۱۱- « اسلام ۶ سب بطرز پرورگ (بر زبان روسی)
- ۱۲- « تاریخ تمدن اسلامی ۴ من بطرز پرورگ ۱۹۱۸ (روسی) این کتاب همین کتاب حاضر نقلی است که از ترجمه های مختلف آن در مقدمه بحث کردیم.

تاریخ تمدن اسلامی

وهو بحث في نشوء الدولة الإسلامية وتاريخ مساهمة الأديان والسياسة والحياة في زمان زولنا وتاريخ العم والادب والسياسة والتجارة وأهم الأنظمة العلمية الأخرى وأدبها وحضارة تلكه

وإليه المودة الع
 تأليف
 محرمي زيوران
 مستشرق
 البراءة الرابع

في سياسة الدولة وتاريخ وتاريخها على السيادة
 ويشمل العلم في دول المظلم من عهد الزمان الأولين إلى السيادة
 الإسلامية والعلمانية وسياسة كل منها في عهد سلطانها ومناهجها وما
 وضعتها من أنظمة علمية مع العلم بما تضمنته من الآراء والسياسات في
 العربية على خلاف السور

طبعة المطبعة الخيرية
 ۱۹۰۵

انتقاد کتاب تاریخ التمدن الاسلامی
 « لشمس الملاء العلامة الشيخ شبلي التلمیانی »

وإليه
 (انتقاد کتاب تاریخ آداب اللغة العربية)
 بقلم الشيخ احمد عمر الاسكندري

(وانتقاد کتاب تاریخ آداب اللغة العربية أيضا)
 (وکتاب طبقات الامم)
 بقلم الآب لویس شیخو البوسی

(طبع مطبعة الخيرية بعبه سنة ۱۳۲۰ هـ ق و سنة ۱۳۲۲ هـ ش)

شماره ۱۱۳۳۶ ۹۶۱

نخبة اقوال الملوك في معرفة احوال الملوك
 تأليف خير الدين باشا في سنة ۱۲۸۴ هجرية
 وترجمه مرتضى احمد رحلى اصغفاني ملقب بمفخر الادباء
 اهداء به نظر السلطان
 اين كتاب در معرفت احوال امم و ممالك اود اهدا
 و ادواضع سياسي اود با بيان تأليف كشته و در سال ۱۲۸۵ هجری قمری چاپ شده
 مشتمل بر مقدمه و ده و دو كتاب در هر كتاب يك خطه
 ابوابي چند است
 نسخ اول كل قرن ۱۴ ق ك ۱۵ ۲۳۳۱۵ ان ۱۳۴۸
 من ۱۴ ص ۱۷۸ ك فرنگي نحو ده . حلد مخجل اے
 عطف ميشن .

کتاب
 الفقه الادبية في تاريخ تمدن الملوك الاوروبة
 تأليف
 الزور العظيمة والعالم الفخرية كعبه الشهير
 زور
 الفوجا حادين لغة الله عوربي

طبع في الاسكندرية في مطبعة الامارة سنة ۱۸۷۷ هجرية
 المراجعة سنة ۱۲۲۴ هجرية

تاریخ تمدن اسلام

تأليف
 محرمي زيوران
 ترجمه پنهان
 ۱۳۱۸ هجرية

تأثیر ویژه‌ای در میان مسلمانان ترک و تاتار و ازبک داشته است. کتاب یادشده، توسط ع گنج‌ای در مرداد ماه ۱۳۲۰ (جمادی الثانی ۱۳۶۰) به فارسی ترجمه و به تدریج در نشریه آیین اسلام سال سوم، شماره‌های ۲ - ۱۳ انتشار یافت. در مقدمه آن، گنج‌ای نوشته است: این کتاب غیر از اهمیتی که در تاریخ تمدن اسلامی دارد، در تأثیر تمدن ایران به عالم اسلامی نیز اهمیت بخصوصی را حائز است که از این لحاظ موافق دیدم که به زبان فارسی هم ترجمه شود». وی در مقدمه، شرح حالی از وی آثار او آورده و سپس شروع به ترجمه آن کرده است.

کتاب بارتولد با عنوان «فرهنگ و تمدن مسلمانان» با ترجمه علی اکبر دیانت نیز در سال ۱۳۵۷ ش منتشر شده است. در مقدمه آمده است که کتاب یادشده در سال ۱۹۳۴ توسط شهید سهروردی در کلکته به انگلیسی و توسط کوپریلی در سال ۱۹۴۰ به ترکی ترجمه شده است. همچنین این متن، به فرانسه نیز ترجمه شده است. سپس می نویسد: بخش اول و قسمتی کوتاه از بخش دوم، با ترجمه طاهری شهاب به نام تاریخ تمدن اسلامی به فارسی درآمده است. بنده از ترجمه طاهری شهاب بی خبرم.

دیانت ادامه داده است که ترجمه حاضر از متن ترکی و ضمن مطابقت با متن انگلیسی انجام یافته است. (مقدمه، ص ۶). جالب است که او به ترجمه ع. گنج‌ای از این کتاب که آن هم نباید کامل باشد، اشاره‌ای نکرده است. این ترجمه در ۱۶۷ صفحه منتشر شده است.

از عجایب آن که این کتاب با عنوان «فرهنگ اسلامی» توسط لیلاربن شه، ترجمه و توسط پژوهشگاه علوم انسانی در سال ۱۳۸۹ منتشر شده است. این در حالی است که هیچ مقدمه‌ای ندارد و اساساً اشاره‌ای به ترجمه‌های پیشین نکرده است.

بر اساس ترجمه دیانت، بخش اول، با عنوان شرق مسیحی و اهمیت آن برای اسلام، بخش دوم: خلافت و آغاز تمدن عرب، بخش سوم: بغداد و اعتلای بعدی تمدن عرب، بخش چهارم: تمدن ایران و تأثیر آن در دیگر کشورهای اسلامی و بخش پنجم اثرات فتوحات مغول در تمدن ایران و بخش ششم دنیای اسلام پس از قرن پانزدهم میلادی است. به این ترتیب روشن می‌شود که نوعی تقسیم‌بندی منطقی در این کتاب دیده می‌شود.

ترجمه عربی این کتاب با عنوان «تاریخ الحضارة الاسلامیة» توسط حمزه طاهر منتشر و توسط انتشارات «عین للدراسات والبحوث الانسانیة والاجتماعیة» در سال ۲۰۱۳ منتشر شده است. این ترجمه از عربی به ترکی است.

کتاب بارتولد یک بار دیگر هم توسط عباس به نژاد با ویرایش مرحوم مرتضی اسعدی به فارسی آمده و همراه با حواشی فراوان، در سال ۱۳۸۳ توسط انتشارات امیرکبیر منتشر شده است.

جرجی زیدان اولین حلقه بزرگ در نگارش های عربی در تمدن اسلامی

در مرحله بعد نویسندگان عرب به نگارش آثاری در تمدن اسلامی پرداختند که شاید قدیمی ترین و معروف ترین آنها کتاب تاریخ التمدن الاسلامی از جرجی زیدان است. چاپی که بنده دیدم مورخ ۱۹۰۲ بود. روی جلد آمده است که در این کتاب از شکل گیری دولت اسلامی، نظامات اداری و سیاسی و مالی و نظامی، وسعت ممالک اسلامی، ثروت، بناها و نیز تحولات ایبات و شعرو اخلاقیات و آداب و رسوم سخن گفته خواهد شد. در این قبیل آثار، تمدن اسلامی به طور کامل به عنوان یک تمدن عربی مورد بحث قرار گرفته است. این کتاب در چهار مجلد منتشر شده و مجلد چهارم در سال ۱۹۰۵ انتشار یافته است.

کتاب جرجی زیدان واکنش هایی هم در جهان اسلام داشت و از جمله شبلی نعمانی نقدی بر آن نوشت که در سال ۱۳۳۰ ق منتشر شد.

کتاب تاریخ تمدن اسلام جرجی زیدان به وسیله علی جواهر الکلام به فارسی ترجمه شد و انتشارات امیرکبیر آن را منتشر کرد.

در ردیف کتاب های فرنگی ها درباره تمدن اسلامی از کتاب سازمان های تمدن امپراطوری اسلام از استانسیلاس گویلرد، ترجمه فخرالدین طباطبایی هم باید یاد کرد که در سال ۱۳۲۶ ش منتشر شد.

تلاش برای شناخت تمدن اروپایی هم در دنیای عرب وجود داشت. خروجی این قبیل کارها می توانست آنها را بیش از پیش با مفهوم تمدن جدید آشنا کند. در این زمینه هم آثاری وجود دارد. نمونه آن کتابی با عنوان التحفة الادیبه فی تاریخ تمدن الممالک الاروباویه از وزیر و دانشمند خواجه حنین نعمت الله خوری است که در سال ۱۸۷۷ میلادی در اسکندریه در ۴۷۰ صفحه منتشر شد. این اثر در دوره ای است که مصر به شدت به سمت نوگرایی در حرکت و به مباحث نودر زمینه تمدن اسلامی نیازمند بود.

به جز این کتاب، کتاب دیگری هم که یک تونسسی درباره اروپا نوشته و در سال ۱۲۸۵ ق به عربی منتشر شده بود، نشان از توجه مغربی ها به تاریخ تمدن غرب داشت. این کتاب اقوم المسالک فی معرفة احوال الممالک تألیف خیرالدین پاشای تونسسی بود. وی در سال ۱۲۸۴ آن را نوشت و سال بعد منتشر شد. شگفت آن است که این کتاب در اصفهان به وسیله میرزا حیدر علی اصفهانی ملقب به فخرالادباء به فارسی ترجمه شد و نسخه آن در کتابخانه ابن مسکویه اصفهان موجود است.

در ایران تاریخ تمدن غرب آن قدر اهمیت داشت که یک کتاب درسی از سوی عباس اقبال مورخ معروف در این زمینه نوشته شد. این کتاب برای سال ششم دبیرستان ها بود. چاپ دوم کتاب یاد شده در سال ۱۳۲۵ ش بوده است. این کتاب در ۳۶۴ صفحه درباره تمدن غرب و ۷۴ صفحه در پایان

درباره ورود تمدن جدید از دوره صفوی تا زمان حاضر است.

کتاب درسی دیگری به وسیله عباس پرویز برای سال ششم ادبی در موضوع تمدن مغرب زمین نوشته و در ۲۱۸ صفحه منتشر شد. تاریخ چاپی از این کتاب که در اختیار بود سال ۱۳۳۰ خورشیدی را نشان می‌داد که ممکن است چاپ نخست آن پیش از این تاریخ بوده است.

آثاری که در انتقاد از اسلام و جنبه‌های مدنی و اجتماعی آن نوشته می‌شد، می‌توانست توسط مسلمانان نقد شود. نمونه آن کتاب الاسلام روح المدنیه او الدین الاسلامی و لرد کرومر بود که مصطفی الغالیینی نوشت و در سال ۱۹۰۸ میلادی در ۲۹۰ صفحه منتشر شد.

بدین ترتیب عرب‌ها به تدریج خودشان مبتکر نگارش آثاری در حوزه تاریخ تمدن دنیای اسلام شده و گاه این را با نگارش آثاری در تاریخ تفکر اسلامی دنبال می‌کردند. آثار احمد امین مصری با عنوان فجر الاسلام و وضعی الاسلام و ظهر الاسلام از این دست آثار است. این آثار اغلب تکرار مکررات بوده و چندان عمیق نیستند.

در سه چهار دهه اخیر مجدداً روش‌های تازه‌ای در میان مسلمانان عرب در مغرب اسلامی یا مناطقی از شامات برای تولید نظریات تمدنی در بررسی گذشته تمدنی عرب و اسلام ایجاد و دنبال شده که نمونه آن کارهای ارکون و جابری و دیگران است. عنوانی که برای این قبیل مباحث به کار می‌رود، عنوان نقد تراث است. در این آثار معمولاً با روش‌های تازه معرفتی به بازشناسی میراث مسلمانان پرداخته می‌شود. اینها مدل جدید بحث‌های تمدنی و تقریباً همگی زیر سایه مفهوم عقب ماندگی است.

محمد کرد علی (م ۱۹۵۳) و کتاب الاسلام و الحضارة العربیة

از جمله چهره‌های مشهوری که در میان عرب‌ها، و همان دوران جرجی زیدان و پس از وی درباره تمدن اسلامی نوشت، «محمد کرد علی» (۱۹۵۳-۳۵۹۱) بود. از قدیم او را به کتاب خطط الشام او که شرحی از تاریخ و جغرافیای شام به عنوان یکی از کهن‌ترین مراکز تمدنی بشر و طبعاً دوره اسلامی نوشت، می‌شناسیم. او دوباره وزیر فرهنگ سوریه شد، و به عنوان یک چهره فرهنگی از شام، فردی شناخته شده بود. کتاب «الاسلام و الحضارة العربیة» او در دو مجلد، در سال ۴۳۹۱ میلادی در دارالکتب المصریة در قاهره که یک ناشر دولتی است، منتشر شد. او فردی عرب‌گرا اما اسلامی است که مثل دیگر متخصصان تمدن اسلامی، تمرکز اصلی تمدن را روی قوم عرب می‌داند. وی در دفاع از تمدن اسلام و اسلام، سخت منتقد شرق شناسان است و در همین کتاب هم، در بخش‌های مقدماتی به آنان به خاطر اشکالاتی که در کارشان دارند، حمله می‌کند. در واقع، چنانکه که اروین مدعی شده، اساساً این کتاب را برای اصلاح دیدگاه‌های شرق شناسان درباره اسلام و تمدن اسلامی نوشت (دانش خطرناک، ترجمه محمد دهقانی، تهران، ۹۹۳۱، ص ۳۶۳ - ۵۶۳).

نگاهی اجمالی به فهرست این کتاب نشانگر همین گرایش و نگاه‌های دیگر او در باره تمدن اسلامی است. «العوامل فی جفاء الغربیین» عواملی که سبب جفای غربی‌ها در باره تمدن اسلامی شده است (بنگرید: الاسلام والحضارة العربیه، ۲/۱)، صفحات ۳۱ تا ۳۳ در باره نقد دیدگاه‌های مستشرقین و کسانی مانند زنان و دیگران در باره اسلام و تمدن اسلامی است. بخش بعدی شعوبیه است، که باز به تفسیرهای شرق‌شناسان از شعوبی‌ها، پرداخته است. «کلام لعلماء افرنسیین، و ایطالیین، و بریطانیین و روسیین». (ص ۲۵). در ادامه به ادعاهای شعوبیه هم در باره اسلام عرب پاسخ داده است. تاریخ عرب پیش و پس از اسلام در ادامه آمده و سعی شده تا عرب‌ها مردمانی متمدن تصویر شوند. در میانه، از برخی از اظهار نظرهای غربی که در باره برخی نکات مثبت در جهان اسلام هم نظر داده‌اند، استفاده شده است. بخشی هم در باره وضعیت غرب، در دوران جوانی اسلام دارد. این تفسیر برای این است تا نشان داده شود که وقتی دنیای اسلام آباد بود، غرب ویرانه بود (ص ۷۸۱). تأثیر عربی‌ها در مناطق غیر عربی، تأثیر فرهنگ عرب در غرب، تأثیر شعر عربی در غرب، شرح تمدن عربی در اندلس، گزارش جنگ‌های صلیبی، تأثیر مغول بر تمدن عربی!، و در نهایت تأثیر استعمار بر بلاد مسلمانان در ادامه آمده (ص ۷۱۳) و جهت‌گیری همه اینها روشن است. آخرین قسمت در مجلد اول، در باره تأثیر تمدن غربی بر بلاد عربی است (ص ۴۴۳).

مجلد دوم کتاب در باره «علوم و مذاهب در اسلام»، اداره در اسلام، و سیاست در اسلام است. این مجلد در همین سه بخش، ۴۸۵ صفحه است. با توجه به عناوینی که گذشت، می‌توان آن را یک نمونه از مباحث تمدن اسلامی، با جهت‌گیری‌های مشخص ضد غربی، با ستایش بی‌اندازه از تمدن اسلامی، و احتمال پذیرش یک انتقادات جزئی، و در عین حال، تمرکز روی فکر عربی دانست.

آغازین بحث‌ها در باره تمدن در متون ایرانی

بازشناسی تمدن غرب با توجه به اختراعات شگفتی که از آن سوی عالم به شرق روانه بود، در آثار دیگر نویسندگان فارسی‌زبان، چه آنان که در ایران بودند یا در شبه‌قاره دیده می‌شود. روزنامه حبل‌المتین در این زمینه مقالات و گفتارهای زیادی را منتشر کرد که اخیراً هم در کتابی فراهم آمده است. رساله‌های مستقلی هم در این زمینه نوشته شد. شماری از این رسائل در مقدمه کتاب قانون قزوینی که خود آن هم نمونه‌ای از این رسائل است فهرست شده است. نوشته‌هایی در حوزه سیاست و اجتماع از حوالی سال ۱۲۵۰ق به بعد به‌ویژه نیمه دوم دوره ناصری سرشار از این مباحث است. دارالفنون روی شاخه‌های درختی که از این بحث‌ها برآمده بود ساخته شد، اما باز هم مدت‌ها طول کشید تا اذهان برای بحث‌های منظم‌تر درباره تمدن آماده شود. در اینجا به برخی از این نمونه‌ها که می‌تواند حکایت از توجه به نگارش درباره تمدن اسلامی را در این دوره نشان دهد اشاره می‌کنیم.

شاید یکی از قدیمی‌ترین آثار در این زمینه که کلمه تمدن در عنوان کتاب به کار رفته باشد، رساله

میرزاملکم خان با عنوان اصول تمدن است که در سال ۱۳۲۵ ق منتشر شد. وی در این اثر همزمان که نگاهی به پیشرفت اروپا دارد، مسائل ایران و فاصله آن با تمدن و راه‌های پیش رو را هم ارائه می‌دهد.

پیش از مشروطه کسانی مانند آخوندزاده یا میرزا آقاخان کرمانی و طالبوف در این زمینه اظهارنظرهای فراوان داشتند. همچنین در رسائل سیاسی و اجتماعی دوره مشروطه بحث تمدن بسیار جدی شد. غالب این گروه‌ها در چارچوب بحث از عقب‌افتادگی فعلی، گذشته درخشان، لزوم اقتباس از غرب (گاه با نقد فرنگی مآبی) و قدم گذاشتن در راه تمدن مباحث خود را پیش می‌برند. برای نمونه می‌توان از رساله مفتاح التمدن فی سیاسة الممدن از میرزا محمد معین الاسلام بهبهانی یاد کرد که میان سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۳۲ ق نوشته شده است. این کتاب نوعی نظریه‌پردازی برای معرفی یک جامعه متمدن با توجه به رخدادهای مشروطه و تحولات بعدی آن است.

از نظر تکنولوژی غربی، آن هم در چارچوب یک بحث تمدنی میدانی و نه صرفاً نظریه‌پردازی بحث‌هایی مطرح بود. برای مثال در رساله فواید راه‌آهن در حقیقت بحث از «کارخانه» از روزگار محمدشاه قاجار و تمام دوره ناصری وجود داشت. هر چند نگارش در زمینه چگونگی این قبیل پیشرفت‌ها در غرب بیشتر جنبه تبلیغاتی داشت. یک اثر درباره ربط تمدن با تکنولوژی، کتابی با عنوان طلوع تمدن و اختراعات عظیمه بود که براساس کتاب‌های متعدد انگلیسی به وسیله مترجمی با نام میرزا محمد منشی در سال ۱۳۲۸ ق در ۱۲۰ صفحه و به فارسی، اما در هند منتشر شد. این آثار در ایران هم مطالعه می‌شد.

آثاری درباره تمدن اسلامی یا تمدن و اسلام از ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ خورشیدی

در ایران اواخر قاجاری و اوایل پهلوی هم آثار فرنگی یا عربی شده که اصلش فرنگی بوده به فارسی ترجمه شد. چنان‌که بالا اشاره شد، کتاب تمدن اسلام و عرب گوستاو لوبون در دوره رضاشاه با حمایت میرزا علی اصغر خان حکمت و برخی از رجال دیگر ترجمه شد و تأثیر زیادی روی گرایش به تمدن در ایران گذاشت، اما در دوره پهلوی اول آثاری درباره تمدن با رویکرد ایرانی هم نوشته شد. در این دوره انجمن آثار ملی هم فعالانه در بازسازی اماکن تاریخی - تمدنی ایران فعالیت داشت. در چشم برخی از نویسندگان این دوره، رضاشاه به عنوان فردی که در حال نوکردن تمدن ایرانی است شناخته می‌شد.

مسئله تمدن از نظر احساس انحطاط و ضعف در میان مسلمانان و از جمله مسلمانان ایرانی مربوط به وضعیت داخلی مسلمانان بود. وقتی دانش «تمدن‌نگاری» آمد و مسلمانان در مقایسه میان خود و اروپاییان احساس عقب‌ماندگی کردند، سعی کردند درباره گذشته تمدن خود تحقیق کنند. چنان‌که گذشت، این کار با بحث از عظمت گذشته، عقب‌افتادگی فعلی و یافتن راه نجات برای رسیدن به عظمت همزمان با ملاحظه تمدن جدید پیش می‌رفت.

در ایران بحث‌ها به صورت موردی آغاز شد و مشروطه آغازی بر جدی شدن و عمومی‌گشتن آنها بود. مهم‌ترین سؤال این بود که چرا ایران عقب افتاده است؟ طبعاً بحث تاریخی درباره عظمت دیرین می‌شد و راه‌های رسیدن به تمدن جدید و موازین و معیارهای آن بحث می‌شد.

البته مسئله از زاویه دیگری هم دیده می‌شد؛ هر چند محدود بود و آن اینکه ایران بزرگ همچنان جایگاه خود را دارد. اثباتش به این بود که هنر گذشته‌اش را نشان دهید. در برابر علم غرب چه می‌شد گفت؟ نجم‌الدوله که عالم طبیعی این دوره بود، در سال ۱۳۲۳ق مجموعه‌ای از چند رساله را با عنوان علم ایرانی منتشر کرد که به نظر می‌رسد می‌خواسته است این حس را نشان دهد.

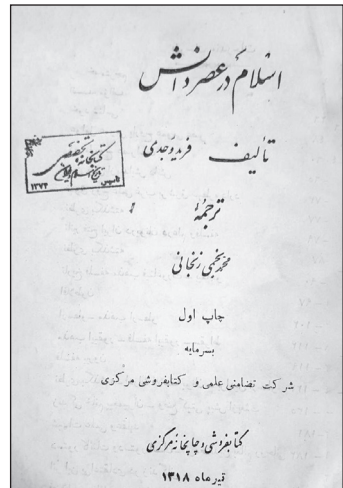
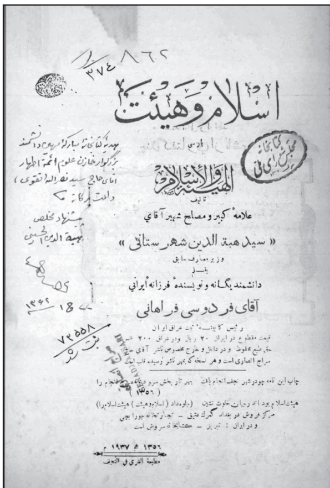
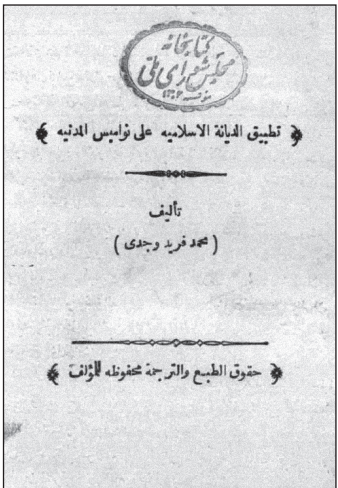
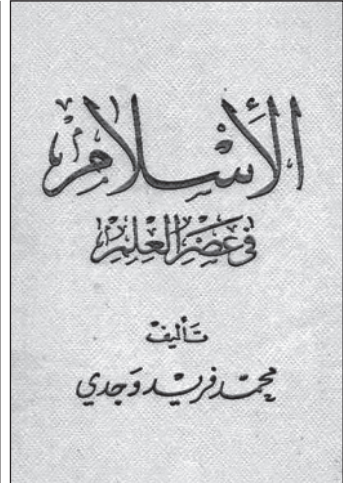
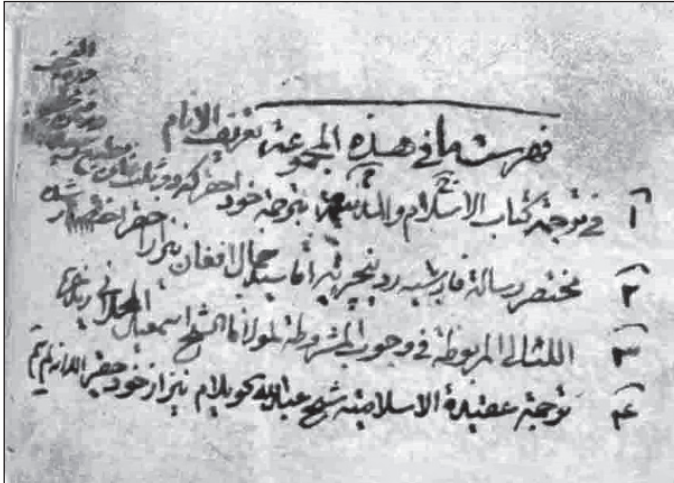
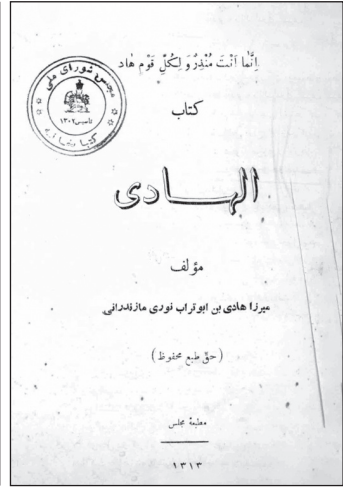
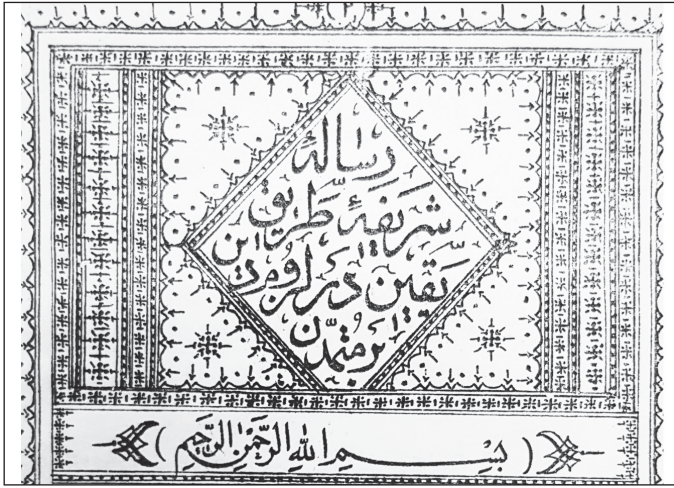
به این ترتیب ایرانی‌ها هم شروع به نگارش آثاری در تمدن کردند. طبعاً قلم و روش آنها، نه مانند فزنگی‌ها بود و نه حتی به پای عرب‌ها می‌رسید؛ آثاری عمومی، اما آثاری بود که احساس و تفکرشان را در این زمینه بیان می‌کرد. یکی از این آثار کتاب مدینه الاسلام، روح التمدن بود که به وسیله شیخ احمد شاهرودی در سال ۱۳۴۶ق (۱۳۰۶ش) در نجف به فارسی در ۳۶۲ صفحه منتشر شد. او در همان مقدمه به شدت از فزنگی مشرب بد گفته و سعی کرده است نشان دهد که اسلام تمدن خاص خود را دارد. این کتاب بیش از آنکه تاریخ تمدن باشد، در زمینه نظریه‌پردازی برای ساختن تمدن اسلامی است.

چنان‌که اشاره شد، در سال‌های اخیر دوره قاجار و اوایل پهلوی اول بحث تمدن بالا گرفت و به ویژه درباره تطبیق آن با اسلام سخن گفته شد. در این زمینه آثاری نوشته شده است. یک نمونه آن کتابی است با عنوان دین و تمدن، اسلام و فلسفه از سید مفید ملجایی که در ۱۹۱ صفحه در سال ۱۳۴۴ق در رشت منتشر شد.

نمونه دیگر که کاری مفصل و درخور هم بود، کتاب تمدن الاسلام شیخ قاسم مهاجر بود که آن را در شوال ۱۳۵۱ قمری نوشت. این کتاب در دو جلد، به تفصیل از رابطه اسلام و تمدن سخن گفته بود. نویسنده که با زبان روسی هم آشنا بوده، شواهد زیادی با استفاده از مآخذ روسی در این کتاب آورده است.

یک اثر محدود دیگر هم با عنوان کتاب الهادی و البته به فارسی در سال ۱۳۱۳ در انتقاد از تمدن اروپایی و همزمان نقد مسیحیت و جزاینها به وسیله میرزا هادی بن ابی تراب نوری مازندرانی نوشته شده که در مطبوعه مجلس در ۱۵۰ صفحه منتشر شده است.

در دوره رضاشاه مهم‌ترین نکته محوری در گفتمان جاری، ترقی و پیشرفت مادی بود. در این زمینه نظریه‌پردازی‌های فراوانی می‌شد. در این دوره بحث درباره موانع رشد و ترقی بود و از جمله درباره حجاب یا عزاداری و جزاینها هم بحث می‌شد. غالباً بحث از زن، برداشتن حجاب و آمدن او به صحنه اجتماع به میان می‌آمد و گفته می‌شد که حجاب مانع ترقی زنان است. در این زمینه مشکلات زیادی پدید آمد. غالب روحانیون به خاطر حجاب و مسئله تغییر لباس و آزادی‌های اخلاقی یا به



عبارتی غیراخلاقی در جامعه مثل مشروب‌فروشی‌ها و ... از حکومت فاصله گرفتند. اقلیتی که حامی ترقی و پیشرفت بودند، وقتی بحث حجاب شد، اندکی متوقف شدند. این توضیح برای این است که گفته شود، رابطه بحث‌هایی مثل حجاب و پیشرفت و تمدن سوژه بحث‌هایی در این زمینه شد. از سوی روحانیون ترقی‌خواه مانند سیدحسین عرب‌باغی (م ۱۳۲۹) - روحانی ارومیه که رساله‌های متعددی مانند نجات ایران درباره لزوم ترقی نوشته بود و حتی در تأسیس پادگان‌های ارتش در ارومیه هم با دولت همکاری داشت - چندین رساله برجای مانده است. او سخت طرفدار تغییرات بود، اما درباره حجاب ایستادگی کرد و آن را مانع تمدن و ترقی ندانست. عنوان یکی از رسائل وی رساله طریق یقین در لزوم دین بر متمدن یا متمدنین است که در ضرورت و لزوم دین برای یک مؤمن متمدن بحث کرده است. بیشتر محتوای رساله آیات و روایات درباره اصلاح زندگی زیر سایه آیین و دین است. در واقع بحث این است که بدون دین زندگی خوب محقق نخواهد شد. تمدن یا انسان متمدن هم تنها در سایه دین می‌تواند وجود داشته باشد. وقتی دیگر باید این رساله را مرور کرد. درباره این شخص در کتاب گذر آفتاب (حسین خردمند، تهران، ۱۳۹۵) به تفصیل سخن گفته شده است.

عرب‌باغی در رساله نجات ایران درباره چندین مسئله از قبیل «وجوب درست کردن خط آهن در بلاد ایران و فواید آن» و نیز «ضعف دولت و ملت از جهت عدم درست شدن کارخانه‌ها» بحث کرده بود. در همین دوره اوایل پهلوی کتابی هم با عنوان تمدن اسلام از سیدعلیرضا بن سید علی اصغر شهرستانی منشی جریده ترویج الاسلام منتشر شده در مشهد در سال ۱۳۴۶ق درآمده که من نسخه‌ای از آن را تا کنون ندیده‌ام.^۱ در ذریعه^۲ از کتابی هم با عنوان التمدن و التمدین یاد شده، اما هیچ اطلاعاتی درباره آن نیامده است.

ترجمه آثار عربی در حوزه تمدن اسلامی به فارسی

اندیشه‌ها و افکار مصری‌ها هم در زمینه تاریخ تمدن و بیشتر در زمینه نظریه‌پردازی و بازسازی اسلام و جوامع اسلامی به ایران هم می‌رسید و در این آثار اثر می‌گذاشت. کتاب‌های فرید وجدی، هم دایرةالمعارف و هم المدینة و الاسلام او که به وسیله شیخ آقابزرگ طهرانی ترجمه شد، در شمار آثار پرتأثیر میان ایرانی‌ها بود. نسخه خطی این ترجمه با شماره ۱۵۸۱۸ در کتابخانه مجلس موجود است. در آنجا نوشته که دوثلث آن در نجف طبع شده است.

از جمله آثار او الاسلام فی عصر العلم بود که موضوعش اثبات هماهنگی اسلام با علم روز بود. در واقع نکته اصلی این بود که اسلام دین علمی است. جالب است بدانیم که این کتاب در سال ۱۳۱۸ش، یعنی دوره پهلوی اول با عنوان اسلام در عصر دانش به فارسی ترجمه و منتشر شده است.

اینکه اسلام یک دین علمی است، مهم‌ترین نکته‌ای است که در این مقطع، یعنی از حوالی ۱۹۰۰ به

۱. ذریعه، ج ۳، ص ۲۴۵؛ ج ۴، ص ۴۳۲.

۲. ذریعه، ج ۴، ص ۴۳۲.

بعد مورد توجه نویسندگان مسلمان است. خود سیدجمال در این باره با ارنست رنان بحث کرد. شاگرد او شیخ محمد عبده هم کتابی با عنوان الاسلام دین العلم و المدنیه نوشت؛ یعنی می‌خواست اسلام را هم دین علمی نشان دهد و هم دینی که با مدنیت و تمدن موافقت دارد. این کتاب در ضمن، پاسخ به برخی از مقالاتی است که در غرب علیه اسلام در حوزه علم و... نوشته شده است.

همان وقت‌ها یا اندکی بعد، کتاب‌های دیگری هم از بعد دانش به اسلام توجه می‌کردند و این بحث، یعنی توجه به مسائل علمی در تاریخ اسلام بخشی از مباحث تمدن اسلامی بود. نمونه آن ترجمه کتابی از عبدالعزیز اسماعیل پاشا به وسیله غلامرضا سعیدی با عنوان اسلام و طب جدید یا معجزات علمی قرآن بود که در سال ۱۳۲۲ش منتشر شد.

نمونه دیگر هم کتاب اسلام و هیئت بود که در سال ۱۳۵۶ق، یعنی ۱۳۱۶ش به وسیله فردوسی فراهانی ترجمه و به کوشش حاج سراج انصاری در نجف منتشر شد.

یکی از آثار فرید وجدی کتاب تطبیق الدیانة الاسلامیة علی نوامیس المدنیة بود که در سال ۱۳۱۶ق در مصر منتشر شد. از نام آن پیداست که نظریه پردازی‌های تمدنی در چارچوب نزدیک کردن اسلام با آنچه مدنیت جدید است در مصر ریشه کهن دارد.

امیرعلی هندی - انگلیسی و تمدن اسلامی

مسلمانان شبه قاره هم در بحث‌های تمدنی ورود کردند. این گروه به ویژه به دلیل آشنایی با فرهنگ انگلیسی از نظر زبان و روش در این امر از جهاتی جلوتر بودند. یکی از آنها سید امیرعلی هندی است که مختصر تاریخ العرب و التمدن الاسلامی را نوشت. کتاب تاریخ عرب و اسلام او به وسیله فخرداعی گیلانی (مترجم کتاب تمدن اسلام و عرب گوستا لوبون) به فارسی درآمده است. (تهران، ۱۳۶۶ که به احتمال باید چاپ دوم باشد) کتاب مختصر تاریخ العرب در سال ۱۹۳۸ با ترجمه ریاض رأفت به عربی منتشر شده است. وی دو کتاب دیگر هم با عنوان روح الاسلام که به فارسی هم درآمده و القانون الاسلامی نوشته است. وی در مقدمه گفته که این کتاب را برای جلب توجه غربی‌ها به تمدن اسلامی نوشته است.

آنچه گذشت نشان می‌دهد که میان تاریخ نگارش‌های مسلمانان در دو قرن اخیر به تدریج دانشی با عنوان «تمدن نگاری» شکل گرفته است. این دانش یک سردر ترجمه آثار فرنگی‌ها درباره شرق اسلامی به عربی، اردو و فارسی دارد و بخش دیگر آن ریشه در گرفتاری‌های مسلمانان و واقعیات موجود در زندگی آنها در مقایسه با غرب. مسلمانان هم باید از اسلام و هویت خود دفاع می‌کردند و هم واقعیت عقب ماندگی خود را چاره و برای آن نظریه پردازی می‌کردند. کار تمدن نگاری در جنبه‌های مختلف ادامه یافت. بخشی صرفاً تاریخی و درباره گذشته تمدن اسلامی بود و بخشی شروع نظریه پردازی

درباره آن. حتی گاهی هم در صورت دفاع از اسلام درباره رابطه اش با علم و مدنیت ظاهر می‌شد. در این زمینه علاوه بر آنچه در اینجا ذکرش رفت، کتاب‌های دیگری نیز هست. همچنین مقالات فراوانی در مطبوعات نوشته شده است. پیشگام در این حرکت علمی مصر و شبه‌قاره هستند و ایران نیز با ملاحظات خاص خود در این عرصه وارد شده و گام‌هایی برداشته است. این ماجرا ادامه یافته و تا امروز که گفتمان تمدن اسلامی به صورت یک گفتمان بسیار نیرومند در دنیای اسلام و به‌ویژه ایران پس از انقلاب درآمده، عمدتاً به صورت تبلیغاتی به پیش رفته است. در این زمینه گرایش‌های تازه‌ای هم با عنوان نقد تراث میان مسلمانانی که در غرب زندگی می‌کردند و بسیاری از متفکران معاصر مصری و ایرانی پدید آمده است. این قبیل مباحث را هم به نوعی می‌توان دنبال شکل‌گیری دانش تمدن‌نگاری دانست. طبیعی است که تمدن در اینجا شامل فرهنگ هم می‌شود. شاخه‌ای از این جریان، تاریخ علم است که خود مسیر دیگری را پیموده که باید در جای دیگری از آن بحث کرد.